

چیله چیخ آرابی راما بیر آی قالار/ بلدای با شکوه آذربایجان

آذربایجانی ها شب یلدا را با رسم و رسومی خاص برگزار می کنند که در مقایسه با سایر نقاط ایران پر رونق تر و باشکوه تر است

خبرگزاری آران
خبرگزاری آران/سرویس ایران

آذربایجانی ها شب یلدا را با رسم و رسومی خاص برگزار می کنند که در مقایسه با سایر نقاط ایران پر رونق تر و باشکوه تر است.

مردم ایران و به ویژه آذربایجان ، شب یلدا را به این دلیل گرامی می دارند که این روز مصادف با اولین روز از چهل روز نخستین زمستان است به همین علت این شب در بین مردم آذربایجان بیشتر به « چله گجه سی» معروف است تا شب یلدا.

اگرچه هم اکنون جشن شب چله ، در شهرهای آذربایجان به دلیل زندگی ماشینی و روزمره تا حدودی رنگ و بوی باستانی و سادگی خود را از دست داده ، اما در برخی از روستاها و شهرهای کوچک آذربایجان، رسوم شب چله، به همان حلاوت گذشته باقی است.

بهروز خاماچی پژوهشگر آداب و رسوم دیرین آذربایجان می گوید: جمع شدن دور کرسی، رفتن به منزل بزرگ خانواده و ایل و طایفه، برگزاری مراسم جشن و عروسی در این شب، برگزاری برخی مسابقات هیجان انگیز نظیر اسب سواری، تیراندازی از جمله آداب و رسوم این شب در آذربایجان است.

به گفته وی حتی وقتی ساکنان ساده و بی ربای روستا ، دور کرسی جمع می شوند ، دست از شوخی ها و نقل روایات و «تایماجالار» (معماها) و «بایاتیلار» (دوبیتی های آذری) بر نمی دارند. شاید نقل این تایماجالار (معماها) و بایاتیلار (دوبیتی های آذری) یکی از مشخصه های شب چله باشد اما هندوانه مهم ترین مشخصه و خوراک شب «چله» است.

حسینقلی کاتبی محقق و ادیب در کتاب «آذربایجان و وحدت ملی» می نویسد : اکثر مردم آذربایجان شرقی در شب یلدا چیلله قاریزی (هندوانه چله) می خورند و معتقدند باخوردن هندوانه، لرز و سوز سرما به نشان تاثیر نداشته و اصلا سرمای زمستان را حس نمی کنند. در بیشتر شهرها و روستاهای آذربایجان شرقی رسم بر این است که کسانی که نامزد هستند در دوران نامزدی در این شب برای نامزدهای خود خונجه طبق می فرستند و اقوام در هر چه بهتر بودن این خونجه ها کمک می کنند.

وی می افزاید: محتویات خونجه ها عبارتند از شیرینی ، پرتقال ، سیب ، انار ، هندوانه ، آیینه و پارچه که با پولک و تور تزئین می شود.

هنگام غروب، زنان فامیل هدایایی به رسم یاری به منزل داماد آورده و به جشن و پایکوبی می پردازند. سپس طبق های آماده را بر سر افرادی که معین شده قرار داده و روانه خانه عروس می کنند و مادر عروس پس از تحویل طبق ها، هدایایی مانند پول، شیرینی، جوارب و دستمال به آنها می دهد، فردای این شب مادر دختر تمام طبق ها را در اتاق میهمان چیده و از زنان فامیل برای صرف میوه و شیرینی دعوت می کند.

کاتبی معتقد است که علاوه بر فرستادن سهم چله برای نوعروس، در نخستین سال ازدواج زوج های تبریزی، پدر عروس قبل از غروب آفتاب سهم دختر و دامادش را که شامل هندوانه، میوه، آجیل، شیرینی، حلواهای محلی، یک قواره پیراهنی با کفش و چادری است روانه منزل آنها می کند.

محمد تقی سبکدل عضو دایره المعارف ایران شناسی نیز می گوید: در آذربایجان شرقی سابقا که ارتباطات به این آسانی نبود از اواخر تابستان مقدار زیادی هندوانه و خربزه در تور می گذاشتند و آن را از سقف مطبخ (آشپزخانه) آویزان می کردند تا در هوای آزاد خراب نشود و یا اینکه در کاه قرار می دادند.

وی می افزاید: هندوانه مهمترین خوراک شب چله مردم آذربایجان شرقی است. اغلب مردم در این شب کوفته تبریزی، برنج، مرغ و آش شیر پخته و بعد از شام نیز از تنقلات موجود در منزل شامل قاورقا (گندم برشته با شاهدانه) آجیل، لبو، هویج، حلوای گردو انواع میوه، خربزه، هندوانه و خشکبارهایی چون انگور، بادام و سجد میل می کنند.

سبکدل می گوید: در تبریز نیز در موسم یلدا «عاشیق ها» می نوازند. عاشیق ها خنیاگران محلی هستند که اشعار و موسیقی آنان برگرفته از موسیقی مردمی است. آنها در حین اجرای برنامه داستان می خوانند، فی البداهه شعر می سرایند و ساز می زنند. قصه هایی که عاشیق ها در شب یلدا می گویند ریشه در افسانه های کهن ایرانی دارد.

قصه هایی مثل «کوراوغلو» و قصه های مهر و محبت شبیه «قربانی و پری» از قصه های مشهور عاشیق هاست که مملو از عشق به میهن، نکات اخلاقی و ارج گذاری به بزرگان و ادب آموزی و فرهیختگی به کودکان به عنوان مردان و زنان آینده است.

وی می افزاید : در شب یلدا وقتی صرف شام تمام شد ، بزرگ خانواده دعای شکر می خواند و با ذکر آموزه هایی از قرآن و احادیث حاضران را به این نکته مهم جلب می نماید که شب و روز و اختلاف آن و گذر روزگار و نعمت های بیکران الهی همه نیازمند تفکر و شکرگذاری است.

سبکدل می گوید : درست زمانی که ریش سفید خانواده با چاقو هندوانه را می برد، می گوید قادا بلامیزی بو گئجه کسدوخ (بلایای خودمان را امروز بردیم). در تبریز پوست های میوه و هندوانه را در آب روان ریخته و این رفتار را خوب و خوش یمن می دانند و بعد از خوردن تنقلات و میوه بزرگان خانواده به نقل حکایات و داستان هایی از حماسه های ملی این سرزمین نظیر، اصلی و کرم ، بایاتی خواندن و ضرب المثل پرداخته و تا پاسی از شب به صحبت و گفت و گو مشغول می شوند و زنان معمولا تا پایان چله کوچک خانه تکانی نمی کنند و اعتقاد دارند اگر در طول این دو چله کسی خانه تکانی کند ، چله او را نفرین می کند و اگر چله کسی را نفرین کند به نکبت و بدبختی گرفتار می شود.

ناصرعلی نژاد مدرس دانشگاه نیز می گوید: در سال های دور، تنقلات شب چله، به تخمه، پشمک، سجد، قیسی، برگه زردآلو، بادام و گردو ختم می شد.

اما اکنون، در سفره شب یلدا مردم آذربایجان انواع آجیل های تشریفاتی نظیر: پسته، فندق، مغز بادام و گردو و انواع میوه های گرمسیری نظیر، پرتقال، نارنگی، و حتی موز و نارگیل را می توان مشاهده کرد.

علی نژاد می گوید : مراسم یلدا در آذربایجان که به «چیله گئجه سی» معروف است زمینه ای برای گرد آمدن اعضای خانواده فراهم می کند، ولی این آداب و رسوم سال به سال در بین مردم این استان کم رنگ تر می شود.

وی می افزاید : با وجود گذشت سال های بسیار و نیز تغییرات فرهنگی و اجتماعی ، نوع برگزاری این گونه مراسم نیز تغییر یافته ولی اساس و پایه آنها ثابت مانده است.

علی نژاد می گوید : فصل زمستان در آذربایجان به سه دوره تقسیم می شود که 40 روز اول آن چیله بزرگ، 20 روز پس از آن چیله کوچک و 30 روز آخر بایرام آبی یا همان ماه عید نوروز است.

غذای مخصوص شب یلدا نیز در قدیم کوفته و بورانی بود و با حضور بر سر سفره اعضای هر خانه این غذاها مشاهده می شد.

استاد علی نظمی تبریزی شاعر معاصر و ادیب معاصر کشور و استان نیز می گوید : یلدا شبی بلند که به ایزد مهر پیوند می زند و در آذربایجان قدیم شادی و نشاط را از موهبت های خدایی و غم و اندوه و تیره دلی را از پدیده های اهریمنی می پنداشتند.

وی می گوید: یلدا در ادبیات کهن ایران زمین و همچنین در اشعار شاعران پارسی گوی و ترکی گوی نیز، نمود زیادی داشته است. طوریکه اکثر شعرا از جمله نظامی گنجوی، صائب تبریزی و شهریار شیرین سخن طولانی بودن شب یلدا را به استعاره هایی چون زلف یار تشبیه کرده اند.

استاد نظامی می گوید: یلدا در ادبیات کهن ما به معنای روشنی بوده و در ادبیات کهن آذربایجان جایگاه ویژه ای داشته، طوریکه تعدادی از شعرا و ادیبان قطعات و ادبیات مختص یلدا خلق کرده اند. به گفته وی رسانه ها باید با بهانه قرار دادن چنین سنت هایی نسل جوان ما را با آداب و سنن و داشته های فرهنگی و فولکلور بومی با استفاده از تصویرسازی های ساده و پر محتوا آشنا کنند.

استاد سید محمد حسین شهریار؛ شاعر شیرین سخن آذربایجان شب نشینی های زمستان و نقل داستان ها و روایات را در منظومه پایدار «حیدر بابایه سلام» چنین به تصویر منظوم کشیده است:

قاری ننه گنجه ناغیل دینده (آن زمان که مادر بزرگ شبها قصه تعریف می کند)
کولک قالخوب قاپ باجانی دوینده (و آن هنگام که برف و بوران بلند شده و خود را به درو دیوار می کوبد)
من قاییدوب بیرده اوشاق اولیدیم (ای کاش دوباره به گذشته باز می گشتم و بچه می شدم)
بیر گول آچوب اوندان سورا سولیدیم (مانند گل می شکفتم و بعد از آن پژمرده می شدم)
در میان عامه مردم نیز «بایاتی»ها و اشعار منظوم متنوعی رواج دارد که از جمله آنها می توان به این «بایاتی» اشاره کرد:
چیله چیخار بایراما بیر آی قالار (وقتی «چله» تمام شد یک ماه به عید باقی می ماند. (منظور چله کوچک است)
پینتی آرواد قوورمانی قورتارار (زن بدسلیقه گوشت های ذخیره شده خود را تمام می کند.)
گندر باخار گودول ده یارماسینا (به «بلغورهای» انبار روی می آورد)
باخ فلکین گردش و غوغاسینا (نظاره کن گردش و غوغای فلک). /خ

پایان پیام.